14/77

Komeley xwêndikaranî
Kurdistan le derewey welat
کومه‌له‌ی خوێندکارانی
کوردستان له‌ده‌ره‌وه‌ی وڵات

Association of
Kurdistan students abroad
– AKSA –

متن مصاحبه سازمان دانشجویان کردستان در خارج

ماموستا
شیخ عزالدین حسینی

پاریس اکتبر
۱۹۸۲

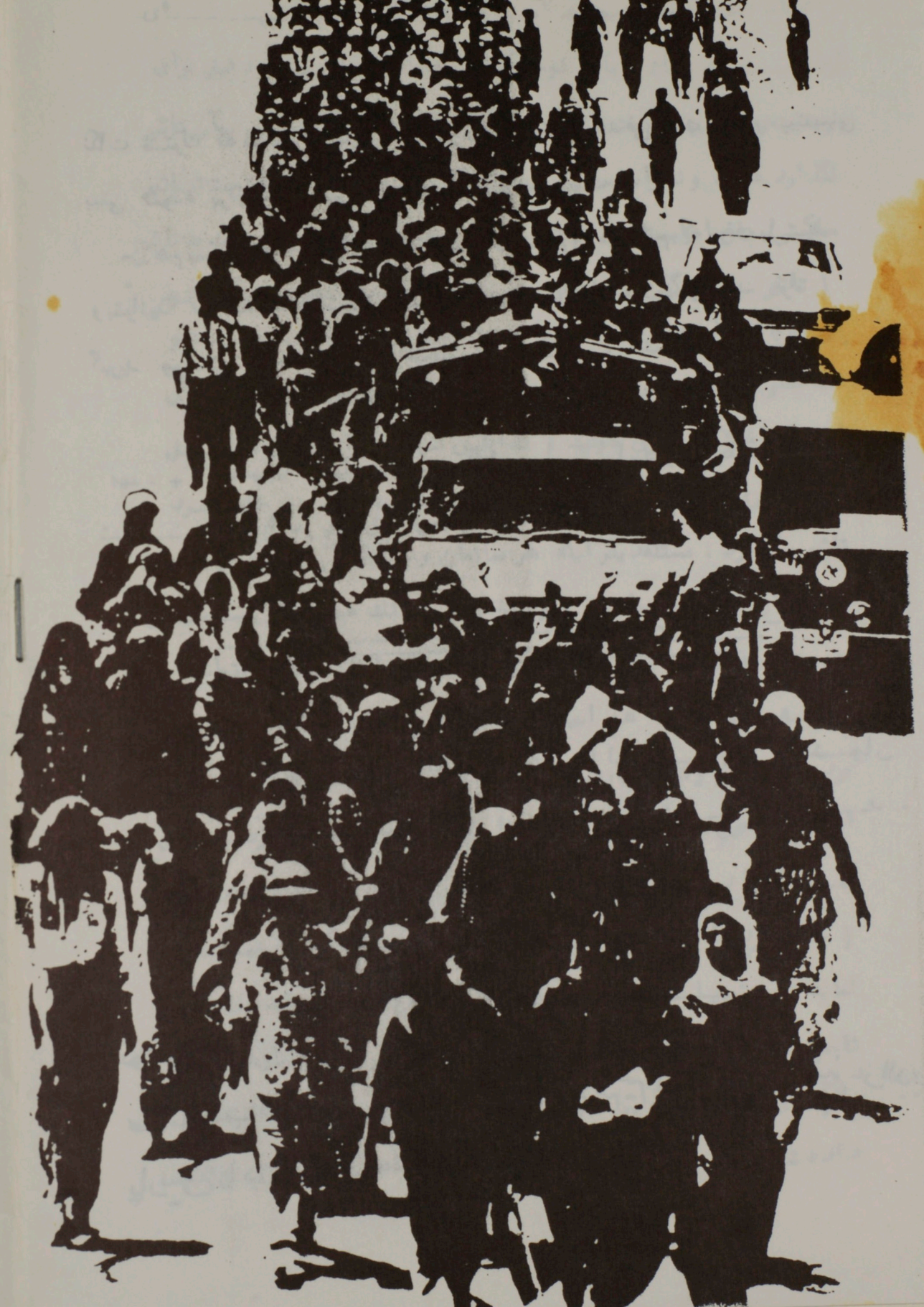

مشت، و وضع جسمی من جای نگرانی نیست **وبزودی بمیان پیشمرگان در کردستان بازخواهم گشت**

س/ مبارزه خلق کرد در کردستان ایران درچه وضعی است و موقعیت کردستان چگونه است ، بخصوص که اکنون رژیم دست بیک حملهٔ گسترده بکردستان زده است ؟

ج / کردستانی که سه سال است درمبارزه علیه حملات درندانه‌ای بنام جمهوری اسلامی است باید چه وضعی داشته باشد ، محاصرهٔ اقتصادی است ، حمله هست ، ویران نمودن دهات هست ، خواندن و آموختن ومدرسه بسیار کم است ، دواو دکتر نیست بارها پیش آمده که مردم بعلت نبودن دواو دکتر شهید میشوند . شهرها زیر سیطره دولت هستند ، مدارس تحت فشار قرار گرفته اند ، پاسدار معلم ـ دختران زینب آنها بجای معلمین کُرد در کردستان تدریس میکنند که هدفشان اینست که روح ملی را در خلق تضعیف نمایند و مذهب تسنن که سنبل کردایتی در کردستان است آنرا ـ هم از خلق کُرد بگیرند ، از طرف دیگر مبارزات خلق کُرد در توسعه است ، دراین سه سال اگر بگوئیم که خلق کرد باندازه ۳۰ سال پیشرفت نموده ، صحیح است ، مبارزه تعمیق گردیده یعنی ریشه‌ای شده و در مردم نفوذ نموده (منظور توده ای بودن مبارزه) اکنون کسانیکه ازنظر مالی فقیراند ، کشاورز ، کارگر ، مردم ده طبقه تهی دست اینان مبارزه میکنند باید گفت مبارزه توده ای شده بمعنی ، مانند گذشته نیست که از بالا مبارزه بخلق نشان داده شود مثلا سرمایداران شهر ، فئودالها . . . اشراف و اعیان مبارزه را سازمان دهند وتوده‌های مردم را بدنبال خود بکشانند چنین نیست . بلکه آنکه امروزدر مبارزه شرکت دارد خلق کُرد است بعنوان خلق بمعنای صحیح آن . در شهر و ده مردم بگرد مبارزه جمع شده اند . ضمن اینکه شهرها و دهات نزدیک شهر زیر سیطره ای دشمن قرار دارد اما دولت نتوانسته

است مردم آنجارا تحت خود قرار داده و بطرف خود جلب نماید . اکنون همه با پیشمرگ هایند ، بآنها خدمت میکنند پیشمرگ ها که بداخل شهرها میروند وضربه میزنند ، روشن است که از طرف مردم از آنان پشتیبانی میشوند اگر زخمی ویا شهید شوند توده‌های مردم بآنان یاری رسانده همکاری میکنند . باید گفت پیشمرگ و خلق هردو یکی هستند نمیتوانیم بگوئیم این خلق است و آن پیشمرگ همه بنوعی پیشمرگ هستند وپیشمرگ در درون خلق . اما روشن است بعلت حملات شدید رژیم فشار بمردم وارد میاید ولی مردم آنرا تحمل میکنند زیرا که مبارزه را متعلق بخود میدانند . اینرا باید بمردم اروپا بگویم ، اینکه رژیم میگوید آنها (سازمانهای سیاسی کردستان) آنها ضد انقلابند و الا مردم باماست اساساً دروغ محض است باین معنی باید گفت تمام خلق کُرد ضد انقلابند که در واقع آنها (مردم وسازمانهای انقلابی کردستان) انقلابیند و رژیم ضد انقلابی . من نمیتوانم بگویم حتی صدیک مردم واقعاً بارژیم اند ، حتی ملاها (مبلغین مذهبی) را بطرف خود بکشانند وبندرت توانسته است که یکی را بطرف خود بکشانند حتی در شهرها . مبارزهٔ امروز چنین است که دولت وحشیانه حمله ور میشود و پیشمرگه مبارزه مینماید وضربه میزند رژیم فکر میکند میتواند خلق کُرد را سرکوب نماید اما بامید خدا رژیم هیچگاه نخواهد توانست باین آرزوی کثیف خود برسد .

آتش مبارزه درکُردستان ، در کوههای بزرگ کردستان زبانه میکشد تا خلق کرد آزاد میشود .

س/ آینده رژیم خمینی را چگونه میبینید ؟

ج / درمورد آینده رژیم خمینی دو مسئلهٔ قابل بررسی است . اگر بگویم رژیم ، رژیمی قابل قبول خلق است و مقتضای زمان است و میتواند بنا

ماهیتش قابل دوام باشد ، اینطور نیست . رژیمی است ارتجاعی ، رژیمی است درنده ، رژیمی است دیکتاتور ، رژیمی است که نمیتوان گفت ماهیتاً قابل بقاء و دوام ، رژیمی است دشمن علم و معرفت . دانشگاهها کهبسته - نموده اند ، مدارس که نیمه تعطیل اند ، علت این نیست که جنگ است ویا انقلاب ، بلکه رژیم ذاتاً ضد علم و معرفت و با آن در تضاد است ، نمیشود استاد بیابیم که حزب اللهی باشد و امام زمان قبول داشته باشد و روح آن مذهب ارتجاعی را قبول داشته باشد و استاد خوبی هم باشد که در دانشگاه تدریس بکند . استادهای دانشگاه همه رفته اند و خمینی میداند اگر دانشگاهها باز باشند ، استادهای دانشگاه باشند و تدریس بشود عیناً گور خودش را میکند . از نظر اقتصادی هم خود شما میدانید بحران چقدر شدید است ، آواره بیاندازه زیاد است ، مملکت خیلی جاهایش توسط جنگ ویران گردیده بیکار در ایران فراوان است ماهیتاً این رژیم قابل بقاء نیست . و اما از طرف دیگر چون نیروئی سیاسی اپوزسیون سیاسی آنچنان بدیلی نیست که بتواند توده‌ی مردم را بدور خود جمع نماید (ارگانیزه) وبتواند در مقابل خمینی قد علم نماید و خلق را (توده ی وسیع مردم) بطرف خود جذب نماید ، اینست که (باین علت است) خمینی (رژیم) هنوز مانده است . مشکل در این نیست که رژیم خمینی سرنگون میشود و باید سرنگون بشود مشکل در اینست کسی نیست (نیروئی نیست) که آنرا سرنگون کند .

آنهائی که خودرا این چنین معرفی میکنند ، خودرا بدیل (آلترناتیو) معرفی میکنند و یا آنهائی که آنها را بدیل معرفی میکنند بآن قدرت و مرتبه نوسیده اند

درست است که بدیلی هستند اما خیلی ضعیف ، امکان این که آنها بتوانند در این شرایط مگر واقعاً اپوزیسیون قوی باشد همه متحد باشند وگرنه در این شرایط در مقابل حکومت خمینی نمیتوانند بدیلی باشند . باین خاطر است که حکومت خمینی برجاست والا ذاتاً قابل دوام و پایدار نیست .

س/ بنظر شما جنبش خلق کردستان بطور کلی در چه موقعیتی است و چه پیشبینی میکنید ؟

ج / همانطور که قبلا اشاره نمودم ، جنبش خلق کرد در مقطع بسیار خوبی قرار دارد ، در طول تاریخ خلق کرد تاکنون باین صورت توده‌ای نبوده است ، خود شما میدانید جنبش خلق کرد پیشرفت نموده ، زمانیکه روحانیت (مذهبیون) جنبش را هدایت میکردند از بالا بود یا مسئله فقط مسئله‌ای ملی بود ، ملی ای خشک و تنگ نظر . . . . اما اکنون از این صورت خارج گردیده درست است که ما هرگاه مسئله خلق کرد مطرح میشود ابتداء بحث کرد توجه میکنیم بعد انوع مبارزه را تعیین میکنیم . من معتقدم اول قبل از هر چیز کُرد هستیم و سپس چیز دیگری ، اگر چپی باشیم بعد از کردایتی چپی هستیم ، اگر مسلمان باشیم بعد از کردایتی مسلمان هستیم ، کردایتی قبل از همه چیز است بعداً چیز دیگر در درون کردایتی . پس من بر این عقیده هستم که کردایتی در کردستان درحال توسعه و پیشرفته است ، یعنی خلق بیشتر حس کردایتی مینماید ، یعنی عمیقتر است درکش بهتر است . . . کردایتی با مبارزه‌ای طبقاتی قاطی شده است ، تنها مسئله کردایتی خشک وخالی نیست . کردایتی با مبارزه طبقاتی همراه است . خلق کرد که میگوید من کُرد هستم باید بحق خود مختاری خود برسم . باید بحق تعین سرنوشت برسم ، همزمان با آن در درون کردستان تغیر وتحولی

صورت گیرد که بنفع بیشترین توده های خلق کرد باشد . خلق کرد
چنین گرایتی مینماید در کردستان ایران عمیق و گسترده .
گسترده بودن آن در این است که در کرمانشاه مردم حس کرایتی
دارند و مبارزه میکنند ، در ایلام نیز تا حدی وجود دارد . در تمام
کردستان زمزمهٔ مبارزه و شعله های جنبش (شورش لغت کردی
جنبش است) در دل خلق است ، ولی در بعض جاهها عمیقتر وقویتر است
در بعض جاهای دیگر کم کم این آتش در حال شعله و شدن میباشد .
بطور نمونه حتی در میان اهل تشیع (منظور کردهای شیعه مذهب است)
که در سابق حس کرایتی در آنجا ضعیف بود ولی هم اکنون حتی برادران
اهل تشیع در کرمانشاه ایلام ، کلیائی ، سنجابی . . . روح کرایتی موجود است
همکاری مینمایند ، کم تا بیش خود را کرد میدانند افتخار بدان میکنند که
کرد هستند واین هم آرام آرام در حال شعله ور شدن است یعنی مسئله کرایتی
بصورت مسئله جماهیری (منظور توده ای) تبدیل شده است . بهمین خاطر
سیاست در کردستان از سلاح پیشی گرفته (سیاست بر اسلحه حاکم است)
یعنی مسئلهٔ مسئله ایست سیاسی و اسلحه پشتیبان آنست ، حتی خدای نا
خواسته که اصلاً فکر نمیکنم چنین باشد ، فرض کنیم که رژیم بر تمام کردستان
از لحاظ نظامی مسلط شود رژیم نخواهد توانست برخلق مسلط شود
خلق را خفه نماید واورا زیر نفوذ خود قرار دهد ، زیرا در تمام دهات نیز
مبارزهٔ سیاسی هست واین تفکر را نمیتواند نابود کند این ایمان وعقیده
من است در کردستان دو نیروی اصلی سیاسی مبارزه میکنند یکی حزب
دمکرات کردستان و دیگری کومه له . بعلت تبادل افکار آنها مردم را

چنین کرده که چه اگر یك نظر باشد ، یك فکر باشد مردم کمتر پیشرفت میکنند
اما اگر دو نظر باشند و مردم هر دو نظریه را دیدند مردم بیشتر بهره برداری
واستفاده میکنند مردم از تضاد مابین این دو تا حد ولی استفاده میکنند . .
این دو سازمان در بعض موارد باهم اختلاف دارند و در بعض موارد با
هم متفقند این بیشتر بخلق یاد میدهد که هر دو را ببینند و در اثر
آن مردم روشن تر میگردند . اینهم خود نعمتی است که بارها من گفته ام ،
این اختلاف ملت رحمت است ، که حدیث است معنایش اینست که اگر مردم
یك نوع پیش رود ترقی نمیکند اما اگر نظرات متعدد باشد مردم بیشتر پیشرفت
مینمایند و من این را که در کردستان دو جهت سیاسی موجود است را
بفال نیك میگیرم . اما چیزی را که ما از این سازمانهای سیاسی میخواهیم
وانشاء الله از این ببعد هم اینطور خواهد بود ، اینست که آنها درعین حال که
اختلاف نظر سیاسی دارند ، هماهنگی عملی داشته باشند و همینطور هم
هست خیلی جاهها در مبارزه بارژیم همکاری دارند واکنون هم بیشتر
بهم دیگر نزدیك شده اند ومن امیدوارم بیشتر همدیگر را درك نمایند .
زیرا این برای خلق کرد لازم است بخصوص در این مقطع اختلاف و در مقابل
هم قرار گرفتن وتضعیف بضرر خلق کرد است ولی اگر ما با هم مشغول شویم
دولت از آن بهره برداری و سوء استفاده مینماید . افکار عمومی خلق
کرد هم اینرا نمیپذیرد ما انتظار داریم که این نیروهای سیاسی در کردستان
درعین آزادی فکر و تبلیغات نظرات سیاسی هیچگاه درگیری و برخورد بینشان
نباشد (درگیری نظامی) .

س/ در صحبت هایتان اشاره باختلافات مابین حزب دمکرات کردستان
ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ـ کومه له ـ کردید ،

نقش شما در رابطه با حل و فصل این اختلافات که بنظر ما هم بسیار ضروری است با توجه بوظیفهٔ مهمی که شما دارید چگونه و چه بوده است ؟

ج / سؤال خوبی است . من میخواهم قدری هم خودم را بشما معرفی کنم من بعنوان شخصیت روحانی در مبارزات خلق کُرد یك آزادیخواه هستم و وابسته بهیچ سازمان و گروهی نیستم ، نه سازمانی گروهی چپی ، نه سازمانی ملی و نه سازمانی مذهبی ، بهیچکدام . من انسانی آزاده هستم فرق من با یك روحانی دیگر اینست که من ممکنست افق فکرم وسیعتر باشد ، حتی بتوانم با یك چپی هم نشسته وصحبت نمایم ، با دیگری هم بنشینم وصحبت کنم . من معتقد به آزادی و دیمکراسی هستم بنظر من همه کس میتواند نظرات و افکارش را بیان نماید ، بشرط این که طرز فکر و نظراتش ارتجاعی و ضد خلقی نباشد . . . . بهمین خاطر دائماً نقش من این بوده است بین آنها (حزب و کومه‌له) اختلاف را رفع نمایم باور کنید پیش آمده که اختلافات آنان وقتی منجر بدرگیری شده، من تا صبح خواب بچشمم نرفته ، تاجائی که برایم امکان داشته سعی خودم را کردم ام (جلو - گیری از ادامهٔ درگیری) زیرا نه اینکه درگیری آنها فقط بضرر خود آنها باشد من بیشتر متوجه خلق کرد هستم . آنچه که برای ما مطرح است خلق است سازمان سیاسی بعنوان وسیله ایست برای هدایت خلق ، تنظیم دادن مردم ومردم را زیر تنظیم قرار دادن والا ذاتا خود (سازمان سیاسی) هدف نیست . اگر خلق کرد به پیروزی برسد هر سازمانی نماند بگزار نماند (سازمانهای سیاسی کردستان) ، هر سازمان بخاطر خلق هدف است و خود ذاتا هدف نیست . بنظر من اختلافات ما بین حزب دمکرات و کومه‌له بخصوص درگیریشان سبب میشود که مبارزه خلق تضعیف و دولت از آن بنفع خود بهره برداری کند که این بضرر خلق کرد است وبنظر من موجب شکست بخصوص در این شرایط بسیار حساس . مسئله دیگر اینکه حزب دمکرات و کومه‌له در یك خانواده چنان قاطی اند که گاهی پسر کومه‌له‌ای و پدر دمکرات ، دختر کومه‌له‌ای و مادر دمکرات و یا برعکس . چنین است که هنگام درگیری برادر در مقابل برادرش قرار میگیرد ویا پدر در مقابل پسر . باین خاطر مسئله بسیار حساس است وما دائماً باین میاندیشیم ومردم را تشویق میکنیم که اینرا قبول نکنند (درگیری را) ولی خوشبختانه خیلی سریع تلاش گردیده که بآن خاتمه داده شود ، هم از جانب مردم ، هم از جانب مسؤلان حزب وهم از جانب کومه‌له . این واقعیت را باید گفت که هیچکدام خواهان گسترش درگیری نبوده‌اند نه کومه‌له نه حزب ونه مردم . مطلب دیگر اینکه توازن قوا موجود است که این مانع گسترش درگیری میشود در این درگیریها هیچ یك منفعت نبرده و دیگری ضرر ، هردو ضرر دیده اند یکی ممکنست بیشتر ودیگری کمتر بهرحال برای هردو گران تمام شده ، واین مژده ایست اکنون که . دولت باتمام قوا یورش آورده اینها بیشتر بهم نزدیك شده اند ومن امیدوارم از این ببعد هیچگونه درگیری بوجود نیاید .

س/ ماموستا شعار خودمختاری که امروز در کردستان ایران مطرح است ، فکر نمیکنید که این شعار مسئله خلق کُرد را حل نمیکند ، در کردستان عراق از ۱۹۶۱ تاکنون که بیش از بیست سال است نتیجهٔ حاصل نگردیده ، فکر نمیکنید که حال وقت آن رسیده که شعار خودمختاری دیگر جائی ندارد و درواقع این شعار مسئلهٔ خلق کرد را مانند ملتی حل نمیکند ، نظر شما چیست ؟

ج / مسئله خودمختاری مسئله ایست از خیلی قبل تاکنون از آن صحبت میشود وهنوز هم در کردستان ایران متداول است . مسلم است که ما کردها ومن شخصا کردرا بملت تکه تکه شده ومنقسم مابین چهار دولت در خاور میانه ، واینرا بظلم و تجاوز بملت کرد میدانم . خوشبختانه هم اکنون در تمام بخشهای کردستان مبارزه میشود این چیزیست که با گذشته فرق بسیار دارد . درگذشته چنین بود که اگر دربخشی مبارزه میشد وگسترش داشت دربخشهای دیگر چنین نبود و فقط به تأیید معنوی و یا کمك مالی اکتفا میشد واگر آنجا مبارزه خاموش میشد در بخش دیگری مبارزه شروع میشد ، ولی اکنون نگاه کنید ، مبارزه درتمام چهار بخش کردستان موجود است ، منتها در یکی شدت بیشتری دارد ودریکی کمتر . این چیزیست که امیدی بملت کرد میدهد . ملت کرد بیدارترگشته ، شد سیاسیش بیشتر شده وبمرحله ای جدیدتر رسیده است . هم از نظر سیاسی و هم از نظر ملی . آیا میتوانیم درشرایط کنونی مسئله خودمختاری را حذف نماییم و چیزی دیگر را پیشنهاد کنیم روشن است که در این مورد بین ملت کرد اختلاف نظر موجود است. اکنون در کردستان ایران این مسئله بنوع دیگر مطرح است درمیان خیلی ها بنام حق تعیین سرنوشت ، از مسئله خودمختاری پیشتررفته وبمرحله حق تعیین سرنوشت رسیده که این بدو شیوه میتواند باشد ، هم بشیوه‌ی جداشدن اگر بخواهد ودولت (مستقل) داشته باشند وهم بشیوه‌ی ماندن بآن دولت که با اوست ، چه چیز را مصلحت میداند آن باشد ، این شعار هم در کردستان ایران مطرح است (حق تعیین سرنوشت) ودر بخشهای دیگر کردستان هم مطرح است

ودر بعضی هم این شعار بزرگتر (استقلال) هم است این هم مرور زمان میخواهد ، مشکل بزرگ ملت کرد اینست که تکه تکه است واز هم جدا آیا درشرایط کنونی امکان این هست چهار دولت مرزهایشان بهم بخورد ودولت کرد بوجود بیاید ، بعقیده من در شرایط کنونی اگر محال نباشد خیلی دوراست . من معتقدم باین که هرکدام از بخشهای کردستان با ملت آن مملکت که با اوست با هم مبارزه نمایند (ودرعین حال حلقه‌ای اتصالی با بخشهای دیگر کردستان داشته باشد ، ازهم مطلع ، باهم رابطه ، رابطه فرهنگی ونزدیك داشته ، ازهم دور نباشند واندك اندك بهم نزدیك شوند .

س/ نظر شما درباره سازمان دانشجویان کردستان در خارج (AKSA) که سازمانیست دانشجوئی کردستانی ومبارزات خودرا بخشی از مبارزات خلق کردستان میداند چیست وچه پیشنهادی برای پیشبرد امر مبارزاتیش دارید ؟

ج / با (AKSA) از دور رابطه داشته ام وگاهی هم برایش پیام فرستاده ام ومن بسیار به (AKSA) امیدوارم که بتواند نقش خودرا درباره ی خلق کرد انجام دهد . در خارج نزدیك بودن کردهای هرچهار بخش کردستان بسیار ساده است ، آنها میتوانند همدیگر را ببینند با هم تبادل نظر بنمایند که این امکان درکردستان ضعیف است ، باید اینرا درك کرد چون کردستان تکه تکه شده است ، روشن است که این تکه تکه بودن باعث تفرقه هم هست . بنابر این اختلاف عقاید ، افکار و تربیت که در هر بخش مخصوص بخود میباشد تا حدود زیاد مانع

از اتحاد عمل میشود . بوجود آمدن AKSA که از تمام بخشهـــــای کردســـتان میباشد باید توجه کامل شود که گامهای بسیار دقیق برای وحدت بردارد . زحمت بکشید و فداکاری بکنید که منطقه گرائی برآن تاثیر نگذارد عقاید و نظرات سیاسی مختلف که ممکن است هر کدام تحت تاثیر مملکتی ، و یا وابسته به سازمان سیاسی خاصی باشد و روی وحدت تاثیر (تاثیر سوء) نگذارد . باید سعی کنید این وحدت هرچه محکمتر شود از هم پاشیدگی و تفرقه هنر نیست چون زمینه اش موجود است وحدت و هماهنگی زحمت بیشتر میخواهد باید تحمل کنید وبهر اندازه ممـــکن است از اختلاف دوری جوئید و فداکاری کنید . براستی اگر موفـــق بچنین امری بشوید و روز بروز نتیجه ملموس بدهید ، بر خلق کرد تاثیر میگذارد . مسئله دیگر اینکه هر سازمان و تشکیلاتی بوجود میاید باید عملکرد آن قابل لمس باشد . وخلق باید بدانند عملکرد این سازمـــان چیست ، چنان چه شما فعالانه کار بکنید وکارهایتان معلوم وبتواند برای خلـــق مفید باشد هم امیدوار وهم دلگرم بادامه کارتان میشوید وهم مردم امیدوارتر وشمارا یاری میرساند . وظیفه AKSA بینهایت سنگین است ودرعین حال مقدس . زیرا براستی همانند اینست که کردســـتان کـــوچك را دوست کرده باشید وتمام خلق کرد درآن جمع شده باشند (منظور کردها از هر چهار بخش) ودرباره مسئله کرد صحبـــت نماید . چنین است که کار و زحمت فراوان لازم دارد وعقیده مـــن تاحد امکان از اختلاف وتفرقه بپرهیزید ، مثلا اگر یکی از سازمان انتقاد دارد ویایکی سازمانی را دوست دارد ، این نباید در AKSA تداخل داده شود . . . . در خود AKSA وحدت و هماهنگی وهمفکری وآن

نکات مشترك که موجودند باید در نظر گرفته شوند و هدفی که AKSA پیشبینی نموده برای آن کوشش نماید این عقیده من است .

من هم بسهم خود برایتان دعـــا میکـــنم و امیدوارم که موفق باشید وبتوانید در خدمت خلـــق ستمدیـــده و محرومیم از حـــق خود قرار گیرید وبراستی خدمتتان جای افتخار تقـــدیر و احترام اســـت .

+ ماموستا بسیار سپاسگزاریم . امیدواریم رهنمـــودهای شـــما مارا در پیشبرد امر مبارزاتی مان یاری رساند .

توضیح ۱ :-

که توضیحات داخل ( ) ها از ســـازمان دانشجویان کردســـتان در خارج .. AKSA - میباشـــد .

× × × × × × × × ×

توضیح ۲ :

هنگام چاپ این جزوه اطلاع حاصل کردیم که ماموستا شیخ عزالدین پاریس را به قصد کردستان ترك نموده اند .